



به حساب می‌آیند. برای مثال، در برخی از بازارهای آسیایی، قوانین و مقررات حاکم بر محیط تا اندازه‌ای دست‌وپاگیر هستند و فقدان ظرفیت مناسب توزیع در بانک‌ها نیز، راه نفوذ بیمه - بانک‌ها را مسدود می‌کند. جدول شماره چهار برآوردی از قابلیت توسعه فعالیت بیمه - بانک‌ها برای هر یک از بازارهای آسیایی را مشخص می‌سازد.

جدول شماره چهار

برآوردی از قابلیت توسعه فعالیت بیمه - بانک‌ها در بازارهای آسیایی

زمینه‌های محیطی فعالیت بیمه - بانک	چین	هنگ‌کنگ	هند	اندونزی	ژاپن	مالزی	فیلیپین	سنگاپور	کره جنوبی	تایلند	تایوان	ویتنام
قوانین و مقررات	*	**	**	**	*	**	*	**	*	*	**	*
ظرفیت توزیع بانک‌ها	**	**	**	*	*	*	**	**	**	*	**	*
تراست‌ها در بانک‌ها	**	**	**	*	*	**	**	**	**	**	**	*
توسعه IT، پشتیبانی زیربنایی	*	**	**	*	**	*	*	**	**	*	**	*
خواست بیمه‌گذاران برای استفاده از شبکه‌ها به جای نمایندگی‌ها و... بیمه‌ای	**	**	*	**	*	**	**	**	**	**	**	*
سطح و میزان مالیات‌ها	**	**	*	*	*	**	**	*	**	**	*	*

توضیح: * نامساعد ** نامشخص *** مساعد

انتخاب یک مدل صحیح بیمه - بانک، به محیط نظارتی و قانونی و فرهنگی خاص هر کشور بستگی دارد.

گسترش بانکداری و بیمه اسلامی به عنوان سیستم‌های مبتنی بر اخلاقیات

منبع: www.islamic banking.com

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

رعایت اصول اخلاقی ایجاد می‌کند که کارها و فعالیت‌های اقتصادی، به گونه‌ای صورت پذیرند که هیچ ضرر و زیانی به دیگران وارد نشود.

کند، ابزار دارم. این همایش که با حضور محققان مختلف و صاحب‌نظران عرصه بانکداری و بیمه اسلامی برگزار می‌شود، بر این امر مهر تأکید می‌زند. من به اینجا آمده‌ام تا چیزهایی را بیاموزم و دانسته‌های خود را در این زمینه افزایش دهم، اما بنا به خواست برگزارکنندگان این همایش، به‌ویژه دوست عزیزم، آقای عمر فیشر، تصمیم گرفتم تا سخنانی را در تکمیل سایر مباحث ایراد کنم.

پروفسور نجات‌الله صدیقی، استاد مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی دانشگاه شاهزاده عبدالعزیز واقع در جدّه عربستان، این سخنرانی را در همایش تکمل در دانشکده بیمه دانشگاه نیویورک ایراد نموده است.

جناب رییس، برادران و خواهران

در ابتدا باید خرسندی قلبی خود را از این که بالاخره مساله بیمه توانست آنچنان که باید، توجه کارشناسان را به خود جلب

دوی آنها، تاثیرات شگرفی بر توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌گذارند، البته هرکدام از طریق خاص خود.

اخلاقیات

به موازات حرکت در جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی، مساله دیگری نیز مطرح می‌شود و آن هم رعایت اصول اخلاقی است که معنای آن، اینست که کارها و فعالیت‌های اقتصادی، به گونه‌ای صورت پذیرند که هیچ ضرر و زبانی به دیگران نزنند و یا منافع اجتماعی را زیر پا نگذارند. اگرچه اخلاقیات و رعایت آنها یکی از نیازهای بشر به حساب می‌آید و بقای انسان تا حد زیادی به رعایت این اصول اخلاقی و انسانی بستگی دارد، اما در واقعیت امر، این اصول و هنجارها، همیشه محترم شمرده نمی‌شوند. گاهی اوقات، انسان‌ها دچار سوءرفتار و اعمال خلاف می‌شوند و کارهایشان را از طرق غیراخلاقی و نادرست انجام می‌دهند و بدین وسیله به دیگران ضربه می‌زنند. کسانی که منافع عمومی را زیر پا می‌گذارند، درنهایت به خود ضربه می‌زنند و این، یک اصل حتمی است.

بیامیران و امامان، فلاسفه و دولتمردان و بسیاری از مردان و زنان عادی بر این واقعیت تاکید داشته‌اند که هر نوع فعالیت اقتصادی بایستی در تعامل با اهداف عمومی صورت گیرد و علاوه بر سود شخصی، به نفع عموم مردم نیز باشد. آنها همچنین بر راستگویی و حقیقت‌جویی در این فعالیت‌ها تاکید ورزیده‌اند.

دین اسلام، حداقل‌های اخلاقی خاصی را برای فعالیت‌های اقتصادی بشر تعیین نموده است که باید آنها را به طور اجباری یا داوطلبانه رعایت نمود تا زندگی برای همگان بهتر و راحت‌تر شود.

ممنوعیت ربا (بهره) و قمار از اهمیتی برابر با ممنوعیت و نهی دروغ‌گویی، کلاهبرداری، فریب و غش در معامله برخوردارند و همه اینها جزو مسلمات موکد شریعت اسلام به حساب می‌آیند. آنچه در اسلام به‌طور کامل مورد توجه بوده است، همانا تاکید بر اهمیت منافع عمومی و تشکیل جامعه سالم در کنار جنبه‌های اقتصادی تجارت می‌باشد، که این امر در نوع خود بسیار جالب است. از این منظر، می‌بینیم که مسلمانان چه سیستم بانکداری و بیمه پیشرفته و مدرنی را به‌وجود آورده‌اند. هنگامی که آنها توانستند از زیر یوغ قوانین استعماری رهایی یابند، این امکان را یافتند تا در سایه قوانین و مقررات اسلام و اخلاقیات، فعالیت‌های اقتصادی خود را صورت دهند. این کار، بسیار ضروری و حیاتی بود، چون که آنها برای سالیان طولانی تحت سلطه فرمانروایانی بودند که هیچ توجهی به ارزش‌ها و هنجارها و اعتقادات آنها نداشتند. پس بیاید در ابتدا ببینیم که مسلمانان چه نگرشی در قبال بانکداری داشته‌اند.

توسعه اقتصادی

بشر، نیازهایی دارد و می‌کوشد تا از راه‌های موجود، آنها را برطرف سازد. یکی از این نیازها، نیاز به مبادله و دادوستد با دیگران به منظور بقا و ادامه حیات است. در ابتدا، مبادلات به صورت پایاپای و معاوضه صورت می‌گرفت، اما این روش، روش مشکل‌زا و ناکارآمدی بود، لذا خیلی زود، چیزهایی پا به عرصه گذاشتند که به عنوان واسطه پرداخت به کار گرفته می‌شدند. این وسایل را می‌شد در زمان‌های مختلف مبادله کرد و در نتیجه، ما توانستیم به "پول" به عنوان واسطه‌ای برای مبادله و همچنین ذخیره کردن ارزش دست یابیم. سپس تامین نیازهای آینده، بشر را برآن داشت تا برای افزایش توانایی‌های خود، دست به سرمایه‌گذاری و "تامین مالی" خود بزند. هنگامی که این رویه در درون و بین مناطق و جوامع بشری گسترش یافت، نقش تامین مالی و سرمایه‌گذاری افزایش پیدا کرد و واسطه‌گری مالی، با تمهیدات خاص خود، امکان عرض اندام پیدا کرد. آنگاه بانکداری نوین با پذیرش اجتماعی اعتبارات بانکی گسترش یافت و عواملی مانند پول کاغذی باعث توسعه هرچه بیشتر تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان روبه‌تعالی و پیشرفت شدند.

بدیهی است که به همراه هر پیشرفت جدیدی، ریسک‌ها و خطرات جدیدی نیز ظاهر می‌شدند. هرچه بشر روبه‌جلو می‌رفت، با ابهامات و مشکلاتی مواجه می‌شد که انتظار بروز آنها را نداشت. کنترل و محدود کردن ریسک‌ها و ابهامات، یکی از جنبه‌های همیشگی و ثابت زندگی اقتصادی همگان، حتی زنان و مردان معمولی بشمار می‌رفت. راه‌ها و وسایل ابتدایی کنترل ریسک‌ها و ابهامات باعث به‌وجود آمدن اشکال ساده‌ای از همکاری بین خویشان و آشنایان شدند. اتحاد، شراکت، تشریک مساعی و همیاری، همگی در چارچوب اعتماد، اطمینان و دوجانبه‌گرایی شکل می‌گرفت و این، همان بیمه یا تکفل بود.

هنگامی که ابهامات افزایش یافتند و ریسک‌ها پیچیده‌تر شدند، انتقال ریسک‌ها به طرف کسانی که مایل به پذیرش آنها بودند (البته در ازای کسب سود و درآمد) و تلاش برای تحت‌کنترل‌درآوردن و مهار کردن آنها، عوامل جدیدی را به میدان آورد. ترفندهای ساده اولیه از قبیل بیمه باعث شد تا افراد براساس خویشاوندی، حرفه یا تجارت در کنار هم جمع شوند و زمینه پیدایش گروه‌های منظم‌تر و بزرگتر بشری را فراهم آورند. با به‌وجود آمدن چنین گروه‌های بزرگتری، بشر درس ارزشمندی را آموخت: انسان‌ها می‌توانند با تجمع و همکاری، بر بسیاری از ریسک‌ها و ابهامات غلبه کنند، کاری که به تنهایی قادر به انجام آن نیستند.

من معتقدم که ایده اصلی فراسوی بیمه و تکفل، دقیقاً شبیه ایده اصلی شکل‌دهنده بانکداری است و آن این است، که هر



تاکید اسلام بر اهمیت منافع عمومی و تشکیل جامعه سالم، در کنار جنبه‌های اقتصادی تجارت، در نوع خود بسیار جالب است، و از این منظر می‌بینیم که مسلمانان چه سیستم بانکداری و بیمه پیشرفته و مدرنی را به‌وجود آورده‌اند.

بانکداری اسلامی

جنبش بانکداری اسلامی در اواسط قرن بیستم و با پیدایش شرکت‌های بانکداری که نه بهره پرداخت می‌کردند و نه بهره دریافت می‌کردند، پا به عرصه وجود گذاشت. در این عرصه، رابطه بین بانک و سپرده‌گذار براساس سپهیم‌بودن سپرده‌گذار در منافع ناشی از فعالیت‌های تجاری و مالی که از محل سرمایه‌های جمع‌آوری‌شده از سپرده‌های مردم انجام می‌شود، شکل می‌گیرد. در این بین، راه‌های متعددی هم برای کسب درآمد وجود دارد، از جمله مشارکت و مضاربه. بسیاری از بانک‌های اسلامی به‌طور مستقیم اقدام به کار و کسب، خرید و فروش کالاها، زمین یا اموال منقول و غیرمنقول نمودند. آنچه پس از مدتی پدیدار شد، چیزی است که در حال حاضر "تامین مالی اسلامی" از جمله "مضاربه" نامیده می‌شود.

در این نوع تامین مالی، بانک چیزی را که مورد درخواست مشتری یا موکل اوست، خریداری می‌کند و آن را با قیمتی به‌مراتب بیش از قیمت خرید، به آن مشتری می‌فروشد. اجاره و پیش‌پرداخت (سَلَم و استصناع) نیز جزو راه‌های پرمشغلت بهره‌گیری از مجموع سپرده‌گذاری‌ها در بانکداری اسلامی بشمار می‌روند.

درواقع، بانکداری اسلامی به ایده اساسی و محوری بانکداری تجاری و سرمایه‌گذاری که نقش واسطه‌گری مالی را ایفا می‌کنند، وفادار است، ولی آن را با اصول اخلاقی تطبیق می‌دهد. به عبارت بهتر، گرفتن بهره از تسهیلات اعطایی را حذف می‌نماید.

بانکداری اسلامی، در طول حیات کوتاه پنجاه‌ساله‌اش، توانسته است خود را به عنوان یک راه‌حل جایگزین مناسب و منطبق با اصول اخلاقی در برابر بانکداری سنتی مطرح سازد، اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، اینست که چه چیز غیراخلاقی در ربا یا بهره وجود دارد که باعث بروز چنین عکس‌العملی از سوی تمدن اسلامی نسبت به بانکداری بهره‌مدار شده است؟ در قرآن، ربا با مشخصاتی مانند غیرعادلانه، مصداق ظلم و ستم و خلاف عدل و انصاف توصیف شده است. از این منظر، طبیعتاً هیچ تضمینی نمی‌دهد که استفاده از پول و سرمایه در آینده، حتماً توأم با موفقیت خواهد بود و همیشه، ریسک و ابهام در سرمایه‌گذاری وجود دارد و لذا سرمایه‌گذار یا سپرده‌گذار باید هم در سود و هم در زیان ناشی از سرمایه‌گذاری‌اش سپهیم باشد. یک وام‌دهنده که به منظور افزایش سرمایه و کسب منفعت به مشتریان وام واگذار می‌کند، باید انتظار کاهش سرمایه و ضرر را نیز داشته باشد و اگر چنین نباشد، از جانب اعتدال و انصاف خارج شده است. همانطور که برخی از اقتصاددانان اسلامی نیز به این موضوع پرداخته‌اند، وجود این بی‌عدالتی ریشه در سودجویی و منفعت‌طلبی

بانکداری سنتی دارد و توجهی به بازدهی کار و فعالیت اقتصادی انجام شده ندارد. آنها با استناد به این امر، تاثیرات منفی آن را بر بی‌ثباتی نظام اقتصادی و بر سلامت جامعه برمی‌شمرند. بنابراین، چه وام و تسهیلات اعطایی برای مصرف مستقیم باشد و چه برای کار و کسب، وجود ربا و بهره برای آن، باعث تخطی از ماهیت و طبیعت همکاری و همیاری زندگی بشر و عدالت و حمایت از نوع بشر می‌شود. بنابراین، پرداخت و دریافت ربا در هر حال مضر و حرام است.

بیمه اسلامی

داستان بیمه اسلامی، تفاوت چندانی با بانکداری اسلامی ندارد. یکی از مسایل مطرح در بیمه اسلامی هم اجتناب از ربا و بهره در سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاری و پس‌انداز به‌وسیله کسانی بود که از بیمه برخوردار می‌شدند. این هدف به آسانی و خیلی زود به تحقق پیوست، به این صورت که تاسیس و ایجاد بانک‌های اسلامی باعث به‌وجود آمدن شرکت‌های بیمه اسلامی شد. این اتفاق برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ و با سرمایه‌گذاری بانک اسلامی فیصل سودان افتاد. در حال حاضر، شرکت‌های بیمه اسلامی از طیف وسیع و متنوعی از ابزارهای سرمایه‌گذاری اسلامی بهره می‌جویند.

یکی دیگر از مسایل و ویژگی‌های اخلاقی بیمه اسلامی، اجتناب از تبدیل شدن بیمه به نوعی قمار بود. قمار، یک نوع بازی شانس و با هدف کسب سود و درآمد است، یک نوع بازی که بازیگران آن به‌طور داوطلبانه وارد آن می‌شوند، اما این نوع بازی با شانس شبیه شانس و اقبال عادی و روزمره نیست و هیچ شباهتی هم به خطرات و ریسک‌های مربوط به خرید، فروش، سرمایه‌گذاری و تولید و یا حتی مسافرت، انتخاب شغل یا پزشکی شخصی ندارد. نمونه‌های قمار را می‌توان در شرط‌بندی بر سر اسب‌های مسابقه، بازی با ورق و تخته‌نرد سراغ گرفت. از ریسک مالی محتمل در قمار می‌توان اجتناب کرد، به شرطی که خود فرد قمارباز چنین بخواهد، یعنی از بازی قمار صرف‌نظر کند. قمار نیز مانند ربا (بهره) باعث جریحه‌دار شدن و خدشه‌دار شدن روح همکاری و همیاری و عدالت‌طلبی می‌شود که بنیان و رکن ایجاد تمدن است. این که یک فرد، تنها به واسطه شانس و اقبال، به سود سرشاری دست یابد، امری غیراخلاقی و غیرمنصفانه است. ثروت، چیزی است که یا از سوی طبیعت و به‌طور مستقیم به یک فرد اعطا می‌شود یا این که به صورت هدیه توسط یک مالک به مالک جدید آن عرضه می‌گردد و یا این که پولی در این میان ردوبدل می‌شود، در حالی که پولی که در قمار ردوبدل می‌شود و ثروتی که از این طریق به‌دست می‌آید، در هیچ‌کدام از این دو مقوله جای نمی‌گیرد. ماهیت این نوع جابجایی ماهیتی غیراخلاقی و غیرانسانی



داستان بیمه اسلامی، تفاوت چندانی با بانکداری اسلامی ندارد.



است، زیرا برای به دست آوردن این پول‌ها، هیچ تلاش و کاری انجام نشده است و همانطور که قبلاً هم اشاره شد، حق مالکیت، تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که ناشی از کار و تلاش باشد یا به صورت هدیه یا ارث و به صورت کاملاً عادلانه و اخلاقی منتقل شده باشد. این نوع سرمایه‌ها، در خدمت اهداف اجتماعی هستند و جنبه عدالت‌طلبی و روح همکاری و همیاری را نقض نمی‌کنند.

حال اگر بخواهیم ثروت را صرفاً به واسطه شانس به دیگران منتقل کنیم، این جنبه‌های مثبت و انسانی را به ریشخند گرفته‌ایم. لذا غیرعادلانه خواهد بود اگر بخواهیم ثروتی را با استفاده از ارزش‌های شانس به کسی که زحمتی برای به دست آوردن آن نکشیده، منتقل سازیم.

اگر کسی این چند سطر را با دقت بخواند، به راحتی می‌تواند به نتیجه‌گیری شاه‌ولی‌الله دهلوی (۱۷۶۲-۱۷۰۳) برسد که گفته است: «هر دو راه کسب پول حرام، یعنی قمار و ربا، معادل با مست‌کردن و از خودبیخودشدن هستند، چون که هر دوی آنها با اصول و فرامین خداوند تعالی در تعارض قرار دارند و در زمره راه‌های کسب روزی حلال قرار نمی‌گیرند.»

ایده مرکزی (محوری) فراسوی بیمه

بیمه نوین (تکفل) براساس این ایده شکل گرفته است که آن چیزی که برای یک فرد نامشخص و مبهم است، برای بسیاری از افرادی که از وضعیتی مشابه برخوردارند، نیز نامشخص و مبهم است، لذا بیمه، با ترکیب‌کردن ریسک‌ها و خطرهای متعلق به افراد مختلف، هرکدام از آنها را قادر می‌سازد تا از مزایا و امتیازات قانون تعداد زیاد بهره‌مند شوند. البته این تعداد زیاد، گاهی اوقات کافی نیست و لذا مزایای آن ممکن است کاهش یابد. تئوری ریسک می‌کوشد تا این مسایل را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. با این حال، هیچ تئوری و نظریه‌ای کامل و بدون نقص نیست، ولی باید پذیرفت که زندگی در کلان‌شهرهای مدرن کنونی بدون بیمه میسر و ممکن نیست، به‌ویژه با توجه به وجود جوامعی که مملو از خانواده‌های کانونی و اقمار و همسایگانی با ویژگی‌های اخلاقی متنوع و متضاد هستند.

با اینهمه، بیمه تنها یکی از اشکال کنترل ریسک و محدودکردن آن است که به واسطه جمع‌کردن، متمرکز ساختن یا منتقل کردن ریسک به سمت کسانی صورت می‌گیرد که مایل هستند در ازای کسب درآمد، آن ریسک‌ها را بپذیرند. یکی دیگر از این راه‌ها، بازار سهام است. همانطور که کینت آرو (Kenneth Arrow) توضیح می‌دهد: «با کمک این نوع وسایل، مالک یک کار و کسب به دیگران اجازه می‌دهد تا در سود و زیان کار با او شریک شوند تا بدین وسیله، از خطرات

احتمالی در امان بماند.» در این حالت، چون که هر فردی می‌تواند هر تعداد سهام را که می‌خواهد، در اختیار بگیرد - سهامی که هرکدام دارای ریسک‌های خاص خود هستند - لذا قادر خواهد بود تا از تعداد و تأثیرگذاری این ریسک‌ها بکاهد. پس می‌توان گفت که بازار سهام، ابزارهایی هستند برای کاهش ریسک‌ها در بین افراد جامعه. وی همچنین خاطرنشان می‌کند که: «بیمه، بهترین و هوشمندانه‌ترین نوع قراردادهاست، قراردادی که براساس آن، پولی در زمان حال مبادله می‌شود (پرداخت می‌شود) تا در صورت بروز حوادثی در آینده، همان پول به صورت پرداخت‌های احتمالی به فرد بازگردانده شود.»

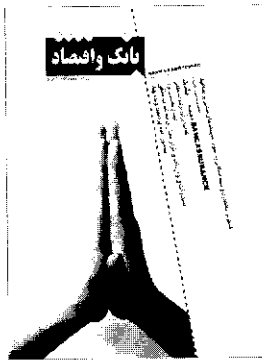
البته همین باریک‌بینی و هوشمندانه رفتارکردن، باعث بروز مشکلاتی برای مفسران و تحلیلگران اسلامی معاصر که فاقد نگرشی کلان‌نگر و جامع هستند، شده است. به منظور اجتناب از پرداخت‌های «احتمالی» که مصداق کامل «قرار» می‌باشد، از یک سو، و نیاز میرم به بیمه در جهان کنونی از سوی دیگر، برخی از صاحب‌نظران کوشیده‌اند تا آن را به صورت یک نوع صدقه یا امر خیریه درآورند، اما باید توجه داشت که این دو، مقولاتی کاملاً جداگانه و متفاوت هستند. وجود قرار یا همان بی‌نیایی و نامشخص بودن پرداخت‌ها که در قرارداد میان افراد و شرکت بیمه گنجانده شده است، بنا به ماهیت جمعی و گسترده بیمه، به تدریج محو می‌شود و تأثیر منفی‌اش را از دست می‌دهد. آنچه برای یک فرد احتمالی و نامشخص است، برای کلیت گروه و همچنین خود شرکت بیمه نیز امری احتمالی است.

بیمه تجارتي در برابر بیمه تعاونی

از آنجایی که ایده مرکزی و محوری بیمه یا تکفل، دقیقاً شبیه ایده مربوط به سایر بیمه‌هاست، لذا تفاوت بین اشکال مشترک و تجاری بیمه، مساله‌ای سازمانی و ساختاری است نه مساله‌ای ماهیتی. هنگامی که افراد زیادی در بیمه یا به عرصه می‌گذارند، به‌وجود آمدن همکاری و تعاون، امری ناگزیر و ضروری خواهد بود، البته نوع خاصی از همکاری که باید در آن، پول نیز پرداخت نمود. در هر دو نوع بیمه، مدیر، حقوق خود را از محل مشابهی دریافت می‌دارد، و فعالیت‌های هر دو نوع بیمه نیز مشابه خواهد بود. انتخاب یکی از این دو نوع بیمه، بستگی دارد به ملاحظاتی از قبیل کارآمدی، شفافیت و در یک کلام، به مناسبت و نفع افراد. لذا نوع سازمان بیمه، تأثیری بر مسایل قانونی حول و حوش آن ندارد. پس معقولانه نخواهد بود اگر بخواهیم برای معرفی بیمه‌های تعاونی و تجاری بگوییم که بیمه دوجانبه، یک نوع فعالیت تعاونی است و بیمه تجاری یک نوع فعالیت نامشروع و غیرقانونی سودجویانه.

این‌گلدون با اشاره به این نکته که تجارت، خود یک نوع تعاون و همکاری است، اضافه می‌کند: «انسان، به تنهایی و

همانطور که بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی توانسته‌اند خودشان را با موازین اخلاقی و منافع عمومی هماهنگ سازند، پس بیمه هم می‌تواند به عنوان متحد و یار این بانک‌ها و صندوق‌ها عمل کند.



احتمال وقوع دارد، برخوردار نباشد و این میسر نخواهد شد مگر با مشارکت عموم مردم در قانونگذاری‌ها و فعالیت‌های مربوط به آن.

آینده

بیمه اسلامی وجود دارد، اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان بیمه را به منازل مسلمانان برد و چگونه می‌توان این کار را با روش‌های منطبق بر اخلاقیات و با توجه به منفعت عمومی انجام داد؟ همچنان که بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی توانستند چنین کنند، پس بیمه هم می‌تواند به عنوان متحد و یار این بانک‌ها و موسسات عمل کند و گفته‌ها و دستورات علما را در بیمه نیز جاری سازد. با دراختیارداشتن بانکداری و بیمه اسلامی کارآمد ما می‌توانیم کارهای زیادی را صورت دهیم. پس باید دست به کار شویم، ولی این تنها آغاز راه خواهد بود و کارهای زیادی باقی می‌ماند تا انجام شود، به‌ویژه تدوین قوانینی رسمی و منطبق با شرع، چیزی که این همایش می‌تواند آن را امکانپذیر سازد. من برای این امر دعا می‌کنم. شما هم به من بپیوندید. از شما سپاسگزارم.

به‌طور انفرادی نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد. انسان بنا به‌ماهیت و طبیعت خود، به همکاری و تعاون از سوی دیگران نیاز دارد. این همکاری و تعاون، امری ناگزیر است که دروهله اول از نوع معاوده (Muawada) و در وهله دوم از نوع مشارکت و غیره است. در نتیجه، می‌توان گفت که فعالیت‌های اقتصادی تعاونی از بازدهی بیشتری برخوردار خواهد بود و برتری محسوسی نسبت به صدقه و امور خیریه دارد و این دقیقاً همان چیزی است که آدام اسمیت نیز به آن اذعان دارد.

البته من به هیچ‌وجه نمی‌خواهم از ذکر مسایل و مشکلات مربوط به بیمه شانه خالی کنم. قانونگذاران بیمه، کوشیده‌اند تا در اولین روزهای پیدایش آن، آن را از عناصر قمار عاری سازند، اما این کافی نیست و باید بیمه را در برابر مسایل و رویدادهای جدید تجهیز کرد. هنوز هم نبرد با اختلاس و کلاهبرداری پایان‌پذیرفته است. کافیس‌ت که ما فقط به آنچه در لویدز لندن (Lloyd's of London) رخ داد، توجه کنیم تا به این ضرورت اعتقاد یابیم.

شکی نیست که بیمه یک "نیمه تاریک" هم دارد و آن چیزی است که نه قانونگذاران و نه مومنان قادر به پذیرفتن آن هستند. دخالت دولت در این زمینه با بهانه حصول اطمینان از وجود عدل و انصاف، از بین بردن اختلاس و حمایت از مصرف‌کننده صورت می‌گیرد. پس نتیجه می‌گیریم که بیمه در دنیای مدرن امری مهم و کلیدی است که البته بایستی از هرگونه لغزش و فریب و قمار تهی باشد و از حالتی شبیه بازار سهام، بازار ارز و حتی بازارهای کالا و سرمایه که در آنها هر نوع خلافی

بیمه اسلامی وجود دارد، اما چگونه می‌توان بیمه را به منازل مسلمانان برد؟



برگه اشتراک	
تاریخ	
نام و نام خانوادگی مشترک:	
سن:	تحصیلات:
شغل:	
شماره‌های درخواستی: از شماره	تا شماره
نشانی پستی:	
شماره تلفن تماس:	
مشترک گرامی	
* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:	
تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸	